

« اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران! » و اخراج مهدی کوهستانی

جمشید کارگر

سه شنبه نوزدهم آذر ۱۳۸۷

گر حکم شود که مست گیرند در شهر هر آنچه هست گیرند.

شرکت سهامی سندیکالیست های ایرانی خارج کشور موسوم به « اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران! » اخیراً یکی از شرکای دیرینه صاحب نفوذ و مهره مشکل گشای خود، مهدی کوهستانی را اخراج کرده است. طنز ماجرا این است که طبق گفته خودشان حکم اخراج این فرد، سال ۲۰۰۶ به تصویب « اتحاد » رسیده است اما اولاً معلوم نیست چرا این عضو اخراجی در همه این مدت همکار و یار غار بوده است و ثانیاً چرا این حکم امروز به مهدی کوهستانی ابلاغ می گردد!! شاید که مشکل تأخیر پستی در کار بوده است!!

با وجود لحن بسیار غیر صریح و عمیقاً فرصت طلبانه و کاسبکارانه اطلاعیه اتحاد بین المللی در ارائه دلیل واقعی اخراج مهدی، آنچه که از فحواى اطلاعیه و متن ضمیمه آن به عقل آدمیزاد می رسد این است که او با سولیداریتی سنتر ارتباط داشته است. این اتهام تا جائی که به شریک و یار غار دیرین این جماعت بر می گردد به طور قطع صحت دارد. تا این جا اصلاً جای حرفی نیست. مسأله اساسی این است که ماجرا به این جا ختم نمی شود، بلکه از اینجا آغاز می گردد. کیفرخواست سندیکالیست ها از اساس قلابی است، نه به این معنی که برگ اتهام مهدی کوهستانی ایراد دارد بلکه دقیقاً به این معنا که اولاً حتی همین برگ به صورت بسیار وحشتناکی دستکاری شده است و کلیه جرائم اصلی و واقعی متهم از متن ادعایانه حذف گردیده است، ثانیاً صادر کنندگان ادعایانه از بالا تا پایین در کلیه بندهای کیفرخواست با مهدی کوهستانی نه فقط شریکند که بار اتهام و مجرمیت آنها حتی از او نیز سنگین تر است. اجازه دهید مسأله را به صورت صریح و عریان در پیش روی توده های طبقه کارگر ایران باز کنیم.

شخصی به نام مهدی کوهستانی یک سندیکالیست کار کشته ایرانی و کارمند هیأت رئیسه اتحادیه کار کاناد است. او در طول چند سال اخیر وظیفه خود می دیده است که در چارچوب سیاست های طراحی شده اتحادیه های کارگری جهانی یعنی نهادهای ضد کارگری مزدور سرمایه جهانی برای ساختن سندیکاهای راست فرمیستی منحل در مصالح و ملزومات بقای سرمایه، در ایران فعالیت نماید. نقش مهدی کوهستانی دقیقاً این بوده است و او در طول این چند سال در این راستا تلاش کرده است. لذا کل ارتباطاتی را که مهدی کوهستانی با مجامع و نهادهای ضد کارگری سرمایه جهانی از جمله سولیداریتی سنتر داشته است، از این منظر باید دید. اهداف اساسی مجامع جهانی سرمایه داری مانند سولیداریتی سنتر و محتوای رسالت اتحادیه های کارگری مزدور سرمایه بین المللی مثل روز روشن است. هدف این بوده و این است که رویکرد راست سندیکالیستی در جنبش کارگری ایران مورد حمایت قرار گیرد، سندیکالیسم راست سرمایه پرست نقش مسلط را در جنبش کارگری احراز کند. این رویکرد ضد کمونیستی در وهله اول هر نوع جهت گیری و حرکت رادیکال ضد سرمایه داری درون جنبش کارگری را قلع و قمع کند و در مرحله بعد کل جنبش کارگری ایران را وثیقه تسویه حسابهای درونی میان بخشهای مختلف بورژوازی جهانی یا به طور مشخص

بورژوازی درنده آمریکا و دولت هار و جنایتکار سرمایه داری ایران قرار دهد. اینها اهداف مشخص دولت های سرمایه داری، مجامع بین المللی سرمایه و اتحادیه های کارگری سرمایه سالار بوده است. آقای مهدی کوهستانی در این چارچوب کار کرده است و برای پیشبرد این اهداف با مجامع جهانی سرمایه ارتباط داشته است.

با توجه به توضیحات بالا ساختار ادعانامه جریان موسوم به اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران، علیه مهدی کوهستانی از اساس مجعول، فریبکارانه و از همه لحاظ دروغ پردازانه است. در اینجا صرفاً ارتباط کوهستانی با سولیداریتی سنتر عمده شده است آنهم بطور غیرمستقیم و غیر شفاف، در حالی که جرم پایه ای و بنیادی وی یعنی اجرای دسیسه های برنامه ریزی شده سرمایه جهانی برای تقویت فرمیسم راست سندیکالیستی، برای مسلط ساختن این فرمیسم سرمایه پرست بر جنبش کارگری، برای از میان برداشتن هر رویکرد ضد سرمایه داری طبقه کارگر و برای تبدیل جنبش کارگری ایران به وسیله تسویه حساب درونی بخش های رقیب و هار و کارگرکش سرمایه بین المللی، به کلی ناپیده گرفته شده است. اطلاعیه بر روی این بخش به کلی خط کشیده است و به این ترتیب بزرگترین عوامفریبی را علیه جنبش کارگری ایران مرتکب گردیده است.

پس از این توضیحات نوبت طرح سؤال اصلی و اساسی ما فرا می رسد. چرا صادر کنندگان اطلاعیه مذکور یا صادر کنندگان حکم اخراج مهدی کوهستانی کلیه جرائم وی را به دیده اغماض گرفته اند و فقط به طرح ارتباط او با سولیداریتی سنتر آنهم به شکل فوق الذکر، بسنده کرده اند؟! چرا آنان در مقابل کل مأموریت و ایفای نقش کوهستانی علیه جنبش کارگری و علیه رویکرد ضد سرمایه داری این جنبش سکوت نموده اند اما ارتباط وی با نهاد مذکور را محتوای اطلاعیه خویش ساخته اند؟! چرا آنان کل برنامه ریزی سرمایه جهانی برای انحلال کامل جنبش کارگری ایران در فرمیسم منحن سندیکالیستی آلت دست بورژوازی را اصلاً جرم و اشتباه تلقی نکرده و نمی کنند اما ارتباط با سولیداریتی سنتر و مثلاً گرفتن امکانات برای کمک به اجرای این سیاست ها و برنامه ریزی های ضد کارگری و ضد کمونیستی را محل ایراد می دانند؟!

این ها سؤالات اساسی است که در پیش روی صادر کنندگان حکم اخراج مهدی کوهستانی قرار دارد و آن ها موظفند که به طبقه کارگر ایران به صورت شفاف و دقیق پاسخ دهند. اینکه آنان چه خواهند گفت باید منتظر ماند اما پاسخ تمامی این سؤالات برای ما و برای هر کارگر آگاه ضد سرمایه داری در هر کجای دنیا به ویژه ایران بسیار روشن است. پاسخ این است که کلیه این دار و دسته ها، تمامی محافل سندیکالیستی راست و چپ و تمامی صادر کنندگان حکم اخراج مهدی کوهستانی همه و همه حتی بیش از شخص کوهستانی در تمامی این توطئه ها علیه طبقه کارگر ایران و به نفع سرمایه جهانی شریک هستند. این ها در تمامی طول چند سال اخیر عین همان کارهائی را انجام داده اند که مهدی کوهستانی برای کمک به پیشبرد آن ها با سولیداریتی سنتر برای دریافت امکانات، ارتباط داشته است. همه این ها بدون هیچ کم و کاست مجریان مستقیم سیاست ها و اهداف پلید ضد کارگری سرمایه جهانی علیه جنبش کارگری ایران بوده اند. همه این ها برای سندیکاسازی مورد نظر سرمایه بین المللی و نسخه پیچی شده توسط اتحادیه های کارگری مزدور سرمایه داری به هر نوع تلاش و توطئه دست می زده اند. همه آن ها برای قلع و قمع رویکرد ضد سرمایه داری درون جنبش کارگری ایران حاضر به ارتکاب هر جنایتی بوده اند. همین ها بوده اند که فعالین کارگری ایران و کردستان را ملعبه دست خود قرار داده و به طور مستمر آنان را وادار ساخته اند تا نامه فدایت شوم

برای آقای گای رایدر ارسال دارند. همه این ها بوده اند که آکسیون های مسخره و سراسر دروغ چند نفری فرقه های خود در خارج کشور را به عنوان حمایت عظیم و سراسری اتحادیه های کارگری جهانی از جنبش کارگری ایران به خورد کارگران ایران داده اند. همه این ها به اندازه هم و به صورت متحد و همدست در جهت متلاشی نمودن کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری تلاش کرده اند. همه این ها مشتی عناصر فرقه گرای سندیکالیست و رفرمیست درون این کمیته را، مأمور حمله علیه رویکرد ضد سرمایه داری و از هم پاشاندن کمیته هماهنگی ساختند. آری تمامی این ها به اندازه هم و یکی از دیگری بیشتر در تمامی این ترفندها و برنامه ریزی ضد کارگری سرمایه جهانی انجام وظیفه کرده اند. مهدی کوهستانی اصلاً تنها نبوده و نیست. طیف وسیعی در اجرای برنامه های یاد شده مشارکت مستقیم داشته اند. این فقط مهدی کوهستانی نیست که باید از شرکت سهامی سندیکالیستی موسوم به اتحاد بین المللی اخراج گردد. کل این شرکت سهامی و کل سندیکالیست ها و فرقه های متحجر سندیکالیست و کل توطئه گران علیه رویکرد ضد سرمایه داری و کل مجریان سیاست ها و اهداف سرمایه جهانی علیه جنبش کارگری ایرانند که باید توسط توده های طبقه کارگر مورد بازخواست قرار گیرند. یک نکته لازم دیگر را نیز به این نوشته کوتاه اضافه کنیم. بالاتر بر نقش و رویکرد و اهداف و توطئه گری دار و دسته های سندیکالیستی آویخته به سرمایه جهانی و اتحادیه های کارگری سرسپرده نظام بردگی مزدی صریحاً انگشت نهادیم. توضیحات ما شاید این ابهام را در ذهن شماری از خوانندگان پدید آرد که راستی راستی نکند « اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران» و مشتی سندیکالیست و رفرمیست راست و چپ، در این یا آن گوشه جنبش کارگری ایران جای پائی دارند؟! و با اعتبار داشتن چنین جای پائی می خواسته اند اهداف سیاه ضد کارگری بالا را جامه عمل پوشند!! اجازه دهید بسیار صریح اعلام کنیم که چنین تصویری در مورد این محافل و موجودات، نه خیالبافی بلکه مالخیولیای حاد خیال پردازی است. میلیون ها محافل راست سندیکالیستی از نوع اتحاد بین المللی مورد بحث این نوشته و هزاران سندیکالیست راست از نوع اعضای باقی و مستعفی آن می آیند و توطئه می کنند و ترفند می بافند و علم و کتل سندیکالیسم مورد نظر سرمایه جهانی را اینجا و آنجا بلند می کنند و سرانجام از میان می روند، اما هیچ کارگری در هیچ کجای ایران هیچ تره ای برای هیچ یک از کارهای اینان خرد نمی کند. ما از رویکرد و سرشت کار این جماعت پرده بر می داریم نه به این خاطر که در معادلات واقعی مبارزه طبقاتی هیچ وجودی دارند. بلکه صرفاً به این خاطر که سندیکالیسم و برنامه ریزی سرمایه جهانی و اتحادیه های کارگری آلت دست نظام بردگی مزدی همیشه و همه جا برای جنبش کارگری جهانی و از جمله جنبش کارگری ایران یک خطر جدی هستند. تا آن جا که به دکان ها و دکانداران بالا مربوط می شود می توانیم حرف خود را در مصرع دوم همان بیت شعر معروف خلاصه کنیم که: « عرض خود می برند و زحمت ما می دارند»

جمشید کارگر

۹ دسامبر ۲۰۰۸